

**Components of foreign policy convergence of the Ansarullah movement in Yemen and the Islamic Republic of Iran**

Mohammad Reza Hatami<sup>1</sup>

Received: 10 Dec 2020

Reception: 04 Apr 2021

With the onset of the Yemeni crisis, which began following the Saudi invasion of the country in 2015, various coalitions were formed in the West Asian region and beyond. The nature of many of these coalitions is clear. What has always been controversial among a wide range of these coalitions is the Coalition of the Islamic Republic of Iran and the Yemeni Ansarullah movement in the field of foreign policy in the Yemeni crisis. In fact, the factors that led to the formation of this alliance at the international level between the two actors are the subject of the present study. Therefore, the present study has collected library resources in a descriptive-analytical method based on Constructivism theory in order to answer the main research question: "What factors have led to the convergence of Iran and the Ansarullah movement in Yemen?" The importance of this research is also in the fact that it can refute the claims of many dissident countries, including Saudi Arabia, that the convergence and cooperation of the Islamic Republic of Iran and the Yemeni Ansarullah movement is military. However, the hypothesis of the present study is that the common revolutionary and Islamist identity between the Yemeni Ansarullah movement and the Islamic Republic of Iran is equally important for the two actors, which has influenced the Iranian-Iranian and Ansarullah Arab identities and converged them in foreign policy. In a way, Saudi Arabia's efforts to create a rift between Arabs and non-Arabs have not worked.

**Keywords:** Ansarullah, Iran, Constructivism, Foreign Policy, Yemen.

---

1. Associate Professor Department of Political Science, Payamenoor University, Tehran, Iran (Responsible Author). [hatami5@yahoo.com](mailto:hatami5@yahoo.com)

**مؤلفه‌های همگرایی سیاسی خارجی جنبش انصارالله یمن و جمهوری اسلامی ایران**محمد رضا حاتمی<sup>۱</sup>

دریافت: ۹۹/۹/۲۰

پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۱۵

**چکیده**

حمایت از ملت‌های زیر ستم از ابتدای انقلاب اسلامی مدنظر جمهوری اسلامی ایران بوده است و کشور یمن سال‌هاست مورد تجاوز ائتلاف سعودی-آمریکایی است. با آغاز بحران یمن که در پی حمله عربستان سعودی در سال ۲۰۱۵ به این کشور آغاز گردید، ائتلاف‌های مختلفی در سطح منطقه غرب آسیا و فراتر از آن شکل گرفت. آنچه در میان طیف وسیعی از ائتلاف‌های مذکور همواره مورد توجه قرار می‌گیرد، ائتلاف جمهوری اسلامی ایران و جنبش انصارالله یمن در عرصه سیاست خارجی بحران یمن است. اهمیت این پژوهش نیز از این حیث است که می‌تواند مهر بطلانی بزند بر ادعای بسیاری از کشورهای معاند از جمله عربستان سعودی مبنی بر نظامی بنیاد بودن همگرایی و همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و جنبش انصارالله یمن است. سؤال اصلی پژوهش این است که «چه عواملی موجب همگرایی ایران و جنبش انصارالله در یمن شده است؟» فرضیه و پاسخ ارائه شده این است که هویت انقلابی گری و اسلام‌گرایی مشترک میان جنبش انصارالله یمن و جمهوری اسلامی ایران به‌اندازه‌ای برای دو بازیگر مذکور مهم است که هویت ایرانیگری ایران و عربیت انصارالله را تحت تأثیر قرار داده و آنان را در عرصه سیاست خارجی همگرا کرده است، به‌گونه‌ای که تلاش‌های عربستان سعودی جهت ایجاد شکاف عرب و عجم میان آنان کارساز نبوده است. این پژوهش به روش تفسیری از نوع کیفی و بر مبنای نظریه سازه‌انگاری به گردآوری منابع کتابخانه‌ای پرداخته است.

**کلمات کلیدی:** انصارالله، ایران، سازه‌انگاری، سیاست خارجی، یمن

## مقدمه و بیان مسئله

بحران یمن که با حمله ائتلاف سعودی به این کشور در سال آغاز شد، موجب ایجاد ائتلاف‌های سیاسی و نظامی در این عرصه شده است. یکی از این ائتلاف‌ها مربوط به ائتلاف جمهوری اسلامی ایران و انصارالله یمن است. ائتلاف سعودی و هم‌پیمانان منطقه‌ای و غربی آن، بنیان ائتلاف ایران و انصارالله را نظامی دانسته و بر آن اصرار می‌ورزند. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران و انصارالله همگرایی خود را مبتنی بر پاره‌ای از ارزش‌های اسلامی و باورهای سیاسی می‌دانند. با این وجود بنیان و اساس همگرایی به وجود آمده میان انصارالله یمن و جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی با اظهارنظرهای مختلفی همراه بوده و به یک ابهام و مسئله تبدیل شده است. این مسئله نیز به نوبه خود سبب نگرش این پژوهش گردید.

این مقاله در پی این مهم هست تا با پاسخ دادن به این سؤال اصلی «چه مؤلفه‌هایی سبب همگرایی جمهوری اسلامی ایران و انصارالله در حوزه سیاست خارجی شده است؟» و این سؤال فرعی «مهم‌ترین مؤلفه‌های همگرایی انصارالله یمن و ایران چیست؟» بتواند به تبیین مسئله مذکور بپردازد. تبیین مسئله مذکور سبب می‌شود تا بسیاری از اتهاماتی که به جمهوری اسلامی ایران و انصارالله یمن مبنی برای همگرایی نظامی بنیاد آنان در حوزه سیاست خارجی تا حدودی برطرف گردد. به عبارتی هدف اصلی این نوشتار کمک پژوهشی جهت رفع برخی از اتهامات سیاسی بین‌المللی به جمهوری اسلامی ایران و انصارالله یمن و اهداف فرعی آن نیز کمک به مسئولان و تصمیم‌سازان حوزه سیاست خارجی و تقویت ادبیات پژوهشی در رابطه با موضوع مزبور است.

اهمیت این تحقیق از این حیث است که با تبیین مؤلفه‌های همگرایی میان دو کنشگر مذکور می‌تواند زمینه‌ساز تعاملات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم ایران با مردم یمن به ویژه زیدی‌ها باشد. به عبارتی تبیین اشتراکات فرهنگی، هویتی، اجتماعی و سیاسی این دو کنشگر می‌توان احساس تعلق میان مردم و ملت آنان با همدیگر را نیز افزایش دهد، از این حیث این پژوهش اهمیت دارد. عدم انجام چنین پژوهش‌هایی جهت روشنگری برخی از ابهامات نیز به نوبه خود سبب می‌شود تا اللقاء شبهات ابهامات میان ملت دو بازیگر مذکور موجب انشقاق و دودستگی میان آنان شود. از سوی دیگر نیز با اللقاء شبهه منحصر شدن

همکاری میان ایران و انصارالله به حوزه نظامی، ممکن است زمینه‌های اجماع جهانی علیه این دو کنشگر مهم فراهم گردد.

روشی که جهت پاسخگویی به سؤالات و نیل به اهداف پژوهش استفاده می‌شود، تفسیری از نوع کیفی و گردآوری منابع به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای است. در این روش نظریه سازه‌انگاری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تئوری‌های مطرح در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی جهت استخراج مؤلفه‌های همگرایی میان انصارالله یمن و جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

سامان‌دهی پژوهش نیز بدین صورت است که ابتدا پیشینه تحقیق جهت تبیین نوآوری آن بررسی می‌شود، سپس چارچوب نظری سازه‌انگاری جهت استخراج مؤلفه‌های همگرایی استخراج می‌شود. پس از آن مؤلفه‌های مذکور در نظریه سازه‌انگاری به‌صورت جداگانه بر روی جمهوری اسلامی ایران و انصارالله یمن مطالعه شده و در پایان مؤلفه‌های مشترک همگرایی آنان در حوزه سیاست خارجی تبیین می‌گردد.

### ۱- پیشینه تحقیق

در این قسمت تلاش شده است تا حوزه مطالعاتی مقالات علمی پژوهشی مرتبط با یمن دسته‌بندی شود. با بررسی مقالات علمی پژوهشی جدید نگاشته شده پیرامون یمن این نتیجه حاصل شد که اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در قالب مقاله علمی پژوهشی در حوزه سیاست خارجی بوده است. باین‌وجود موضوع بررسی همگرایی‌های سیاست خارجی جنبش انصارالله و جمهوری اسلامی ایران در پژوهش‌های سیاست خارجی انجام‌شده، موضوعی بدیع بوده و دارای نوآوری است. باین‌وجود جهت درک بهتر میزان نوآوری پژوهش حاضر، در جدول (۱) برخی از جدیدترین مقاله‌های علمی پژوهشی در رابطه با یمن ذکر گردیده است.

جدول (۱) مقاله‌های پژوهشی اخیر انجام‌شده پیرامون یمن

عنوان مقاله	عنوان فصلنامه	تاریخ چاپ	نام نویسنده (گان)	حوزه مطالعاتی
ایران و یمن در اسطوره و تاریخ	ادبیات و علوم انسانی	۱۳۷۸	منصور میرزاییا	تاریخی
مجموعه طاووس یمنی: نماد حضور ایران در یمن	کتاب ماه دین	۱۳۷۰	حسن انصاری قمی	
تحولات سیاسی و نظامی یمن	دیده‌بان امنیت ملی	۱۳۹۶	امین پرتو	
راهبرد سیاست خارجی ج.ا.ایران در مقابله با گروه‌های تکفیری یمن، عراق و سوریه	پژوهش ملل	۱۳۹۷	حسینی شوقی	
تأثیرپذیری مفهومی و روشی حرکت انصارالله یمن از انقلاب اسلامی ایران	پژوهش‌های انقلاب اسلامی	۱۳۹۶	محمدصادق کرشکی - روح الله نجابت	
بازتاب انقلاب اسلامی بر نقش منطقه‌ای عربستان (با تأکید بر بحران سوریه و یمن)	تاریخ‌نامه انقلاب	۱۳۹۷	محمد ستوده آرائی - احسان جعفری فر	
ارزیابی اجرای دکترین مسئولیت حمایت در بحران یمن	پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام	۱۳۹۸	محمدعلی بژاد اصل - مسعود راعی دهقی	
بررسی بحران یمن: تحولات، ریشه‌ها، بازیگران و راهکارهای موجود برای اتمام بحران	علوم سیاسی	۱۳۹۸	سهیل سهیلی نجف‌آبادی	سیاست خارجی
هویت و تأثیر آن بر سیاست خارجی یمن در دوران پساتحاد	پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام	۱۳۹۶	سید حمزه صفوری - روح الله نجابت	
تبیین تقابل جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در یمن از منظر امنیت هویت محور	پژوهشنامه انقلاب اسلامی	۱۳۹۷	میثم غلامی - سیدمصطفی ابطی - ابوالقاسم طاهری - علی کاظمی زند	
روندها و رخدادهای سیاسی مؤثر در بحران یمن	دیده‌بان امنیت ملی	۱۳۹۵	مهیار میرزاده کوهشاهی	
نقش انصارالله یمن در رهبری تحولات یمن	مطالعات راهبردی جهان اسلام	۱۳۹۳	جواد مددی	
عالی گرایش به محور مقاومت در یمن	مطالعات راهبردی جهان اسلام	۱۳۹۴	پویان بابایی	

۱۳۹۰	مطالعات راهبردی جهان اسلام	حسن احمدیان	ع.ر. امیردهی	طرح شورای همکاری خلیج فارس و آینده قیام مردم یمن	
۱۳۹۴	پژوهش‌های انقلاب اسلامی	چیلان دارا-محمود بابایی	سید محمدعلی حسینی زاده - زینب فرهادی - مهرنژاد غفاری زاده	بازخوانی جنبش انصارالله یمن در بستر انقلاب اسلامی ایران	
۱۳۹۱	شیعه شناسی	حسن تالشان	حسن تالشان	انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه در یمن	
۱۳۸۹	اندیشه تتریب		ع.ر. امیردهی	سرمین‌های جهان اسلام: یمن از حاکمیت سیاسی تا روابط با جمهوری اسلامی ایران	
۱۳۹۶	علوم سیاسی		سید محمدعلی حسینی زاده - زینب فرهادی - مهرنژاد غفاری زاده	جنگ یمن و القاعده شبه‌جزیره	
۱۳۹۸	پژوهش‌های مال		سامان جباری - محمد رسول شیبخی زاده	الزامات حضور راهبردی ج.ا.ایران در یمن از منظر ژئوپلیتیک	
۱۳۹۸	سیاست جهانی		محمدجواد فتیحی - فرزاد جهان‌بین	تسبیب بحران ژئوپلیتیک یمن: عوامل و بازیگران	سیاست خارجی
۱۳۹۴	دیدگاه‌های امنیت ملی		مه‌ای میرزاده کوهشاهی	یمن: استقرار تقابل نظامی و آغاز تدارکات	
۱۳۹۶	آینده‌پژوهی دفاعی		امید - و قوفی - صغری قاسمی - ابراهیم حاجانی	تسبیب عوامل و پیش‌ان‌های کلیدی آینده یمن تا سال ۱۳۹۶	
۱۳۹۷	آینده‌پژوهی دفاعی		جواد علیپور - سجاد قیطاسی - مهدی دارای	آینده‌پژوهی بحران یمن بر پایه سناریونویسی	
۱۳۹۴	پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی		علیرضا سمیعی - امین‌الهانی - سیداحمد موسوی	بررسی تأثیر برتری منطقه‌ای ایران بر الگوی رفتاری عربستان در قبال تحولات یمن	
۱۳۹۷	سیاست جهانی		مرتضی همتی - شهوروز ابراهیمی	اثرات سیاست خارجی عربستان در یمن بر نقش آفرینی ایران در خاورمیانه	
۱۳۹۰	مسکویه		رضا شعبانی - سیداصغر قریشی	تحولات اخیر یمن و اندیشه سیاسی زیدیه	اندیشه سیاسی - دینی
۱۳۸۴	کتاب ماه دین		-	منابع اندیشه اسلامی در یمن	
۱۳۹۱	تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی		علی یزدانی - فاطمه جان احمدی	بسترها، زمینه‌ها و چالش‌های پیدایی جنبش زیدیه در یمن	فرهنگی و اجتماعی
۱۳۷۶	میراث شهاب		سید محمود مرعشی نجفی	میراث اسلامی در یمن	

## ۲- چارچوب نظری

سازه‌انگاری که بر آن بر سازندگی<sup>۱</sup> نیز اطلاق می‌شود، نظریه موردنظر در این پژوهش است. نظریه سازه‌انگاری از جمله نظریه‌های جدیدی است که به سرعت تبدیل به یکی از مهم‌ترین تئوری‌های روابط بین‌الملل شده است. این نظریه توانسته به راه میانه‌ای در بین نظریه‌های روابط بین‌الملل تبدیل شده و امروزه یک رویکرد میانه در بین نظریه‌های روابط بین‌الملل به شمار می‌رود (ازغندی و کافی، ۱۳۹۱: ۲۰۶). نظریه سازه‌انگاری که در واقع یک رهیافت نظری است، تلاشی است در حوزه فرا نظری که در میان طیف نظریه‌پردازان طبیعت‌گرا یا اثبات‌گرا از یک‌سو و طیف پساساختارگرا از سوی دیگر قرار گرفته است (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۱۵).

در این پژوهش جهت شناسایی بهتر مؤلفه‌های همگرایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و جنبش انصارالله، مؤلفه‌های امنیت و هویت سازه‌انگاری از منظر این دو بازیگر مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

### ۱-۱- هویت از منظر سازه‌انگاری

از مباحث نظریه‌پردازان سازه‌انگاری، توجه آن‌ها به نقش هویت در ایجاد کنش است. هویت از جمله مفاهیمی است که در نظریه سازه‌انگاری مورد توجه قرار گرفته است. در واقع از هویت در سازه‌انگاری به عنوان یک مبحث مهم هستی‌شناختی یاد می‌شود که برداشت نسبتاً جدیدی از آن می‌شود (Hopf, 1998: 183).

هویت از منظر سازه‌انگاران به معنای شناخت خود در آینه تعامل با دیگران است. سازه‌انگاران هویت را در تعریف خود در مقابل دیگری دانسته‌اند. این شناخت نیز صرفاً شخصی و روان‌شناسانه نیست بلکه دارای بنیادی اجتماعی و ارتباطی بوده و به وسیله تعامل کنشگران باهم و در ارتباطی که باهم دارند تعریف می‌شود (Barnett, 1999: 9). برخی دیگر از صاحب‌نظران سازه‌انگاری هویت را به تصوراتی از خود و دیگری که در طول زمان در پی ارتباط با دیگر کنشگران خلق می‌شود اطلاق می‌کنند. با این وجود می‌توان چنین برداشت کرد که هویت مفهومی رابطه‌ای است که مبین روابط میان بازیگران و تصور دیگران از یک بازیگر

است. از این رو تصورات جمعی و فردی بازیگران از خودشان و دیگران بستگی به تعریف از خودشان دارد که از فهم‌های مشترک، انتظارات و دانش تجسم‌یافته در نهادهای داخلی و فرامرزی ناشی می‌شود (Checked, 1997: 437).

سازه‌انگاران معتقدند که هویت‌ها در نوع، شکل، میزان و شیوه موفقیت کنشگرها اثرگذار است. به بیان دیگر، هویت‌های اجتماعی در شکل‌گیری منافع و رفتار بازیگران نقش بسزایی ایفا می‌کنند (Hopf, 1998: 175). از نظر سازه‌انگاران هویت سبب می‌گردد تا افراد جهان ماهیت خود را معنادار کرده و به تفکیک میان دوست و دشمن خود پردازند. از منظر آنان هویت سبب می‌شود تا کشورها سیاست خارجی خود را متناسب با دوست و دشمنی که دارند تعیین کرده و با دوستان خود به ائتلاف‌سازی پردازند. در چارچوب سازه‌انگاری، روابط میان دولت‌ها بر اساس قدرت نیست بلکه بر اساس معانی و هویتی است که آنان برای یکدیگر قائل هستند (قربانی و سوری، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

از نظر سازه‌انگاران، هویت کنشگران را ارزش‌ها، هنجارها و ایده‌های نهادینه‌شده در محیط آن‌ها شکل می‌دهد. از منظر آنان متعاقب شکل‌گیری این هویت است که کنشگران می‌توانند شکل‌گیری منافعشان را تعریف کنند. کشورها بر اساس هویتی که برای خود قائل هستند منافع خود را تعریف می‌کنند زیرا هویت‌ها پایه و اساس منافع کنشگران را تشکیل می‌دهد (قربانی و سوری، ۱۳۹۵: ۱۰۴). هر هویتی تعریف اجتماعی کنشگر است و ریشه در نظریه‌هایی دارد که کنشگران به شکل جمعی درباره خود و دیگری دارند (Wendt, 1999: 238). به عبارتی هویت منافع را شکل می‌دهد و منافع نیز سرچشمه رفتارها و اقدامات می‌باشند (داوی، ۱۳۹۱: ۳۴). کنشگر منافع خود را در روند تعریف موقعیت‌ها و نقش‌هایی که بر عهده دارد تعریف می‌کند. منافع کنشگر بر اساس هویت‌ها تعریف می‌شود و هویت‌ها نیز در بستر تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی شکل می‌گیرد (قربانی و سوری، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

از دیگر موارد مهم مبحث هستی‌شناسانه در مطالعات امنیتی سازه‌انگاران، توجه به فرهنگ و عوامل فرهنگی در تشریح و تبیین مسائل امنیتی است. سازه‌انگاری و فرهنگ‌گرایی دیدگاه مشترکی در مورد نقش هنجارها، بازیگران و ساختارهایی که به صورت دوسویه ساخته شده‌اند و رابطه بین هویت و منافع دارند (داوی، ۱۳۹۱: ۳۴). رویکردی که سازه‌انگاران



در پیش گرفته‌اند حاکی از این است که هنجارها به‌عنوان انتظارات جمعی اقدام به تعیین اعتبار و به رسمیت شناختن هویت بازیگران نموده و بدین ترتیب آن‌ها را به وجود می‌آورند. سازه‌انگاران امیدوارند که با وارد کردن ساختارها، بازیگران، هویت‌ها، منافع و اندیشه‌ها در عرصه بازی بتوانند تغییرات مهم ایجادشده در الگوی رفتاری را تشریح کنند (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۸۷) که در ادامه پژوهش به تمام مؤلفه‌های محوری سازه‌انگاری همچون هویت، فرهنگ، ارزش و غیره در رابطه با جنبش انصارالله و ایران پرداخته می‌شود.

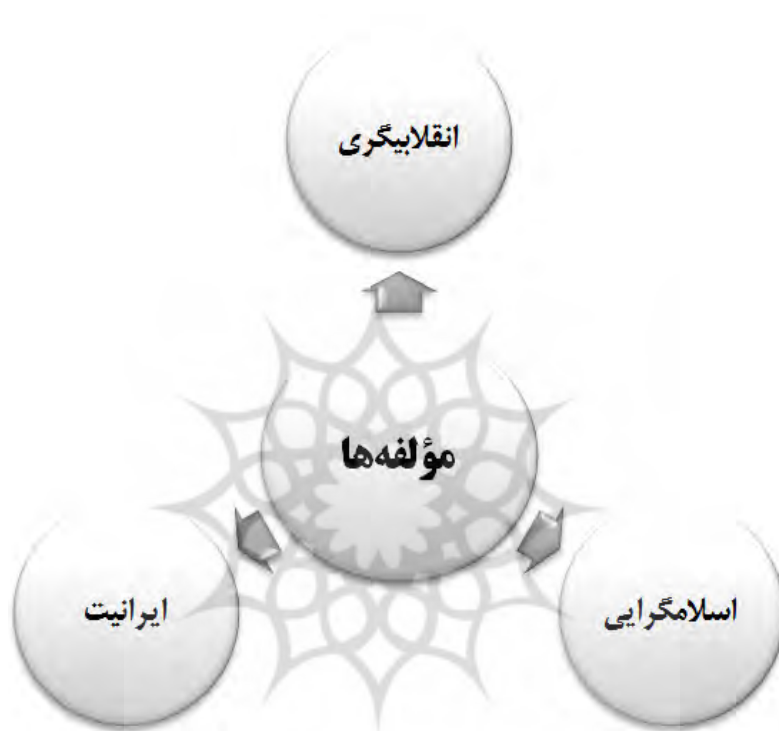


تصویر (۱) رفتار سیاست خارجی بر اساس نظریه سازه‌انگاری (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۱)

### ۳- هویت ایران از منظر سازه‌انگاری

همان‌گونه که در قسمت قبل بیان گردید، از منظر سازه‌انگاری، هنجارها، ارزش‌های فرهنگی و مذهبی از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های منافع ملی محسوب شده و نقش مهمی را در تعیین جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها ایفا می‌کند. در رابطه با جمهوری اسلامی ایران نیز سه صفت انقلابی‌گری، اسلام‌گرایی و ایرانیت، علی‌الاصول تعیین‌کننده مجموعه هنجارها و ارزش‌هایی است که منافع و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تعیین

می‌کند (قربانی و سوری، ۱۳۹۵: ۱۰۹). در واقع هویت جمهوری اسلامی ایران در سه ماهیت ایرانیت، اسلام‌گرایی و انقلابی‌گری آن خلاصه می‌شود که هر کدام به صورت موجز توضیح داده می‌شود.



تصویر (۲) مؤلفه‌های هویتی جمهوری اسلامی ایران

### ۳-۱- انقلابی‌گری

سرنگونی نظام پهلوی و پیروزی انقلابی اسلامی ایران موجب تولد هویت انقلابی جمهوری اسلامی ایران گردید. حال ماهیت انقلابی جمهوری اسلامی ایران سبب شده است تا یکی از عناصر هویتی ایران هویت استعمارستیزی و مقابله با قدرت‌های سلطه‌گر باشد. بر اساس این نگرش هویتی، نظام بین‌الملل از نظر تاریخی و فرهنگی در بردارنده رویکردها و رفتارهای استعمارگرانه کشورهای غربی بوده لذا ایستادگی و مقاومت در برابر آن بر هر ملت انقلابی و آزادی‌خواه واجب است. این موضوع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با ادبیات

مختلفی همچون حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین جهان، انقلاب و اتحاد ملل اسلامی، وحدت جهان اسلام و غیره بیان شده است (قربانی و سوری، ۱۳۹۵: ۱۱۰). ماهیت انقلابی جمهوری اسلامی ایران سبب گردیده است تا این کشور به صورت معنوی از کشورهای دیگری که در صدد انقلاب علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی هستند، حمایت به عمل آورد. این حمایت معمولاً در ابعاد مختلف سیاسی و رسانه‌ای بوده است.

### ۳-۲- اسلام‌گرایی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اسلام به عنوان چارچوبی برای جهت‌دهی رفتار این کشور در حوزه سیاست خارجی و معرفی هویت آن مطرح شد. تطور ابعاد درونی هنجارهای جدید در آستانه انقلاب اسلامی به ظهور هویت مشخصی در ایران منتهی شد که عنوان «اسلامی» معرف آن است. در این رابطه هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و مذهبی نقش قابل توجهی در تعیین منافع ملی و جهت‌گیری سیاست خارجی آن ایفا می‌کنند. در واقع اسلام به عنوان یکی از عناصر هویتی ایران، تعیین‌کننده مجموعه هنجارها و ارزش‌هایی است که هویت جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۴۵).

هویت اسلامی ایران مهم‌ترین و بهترین ارزش و هویتی است که جمهوری اسلامی ایران بایستی در عرصه داخلی و سیاست خارجی پیگیری و دنبال کند زیرا این هویت همان ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که از سوی شریعت و مکتب اسلام آورده و بدان توصیه شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۵۵). هویت اسلامی بودن مهم‌ترین هویت جمهوری اسلامی ایران بوده و از هویت‌های انقلابی و ایرانی نیز مهم‌تر به شمار آمده است. در واقع هویت‌های ایرانی و انقلابی ذیل هویت اسلامی ایران قرار می‌گیرند. با شکل‌گیری و ظهور هویت جدید در قالب جمهوری اسلامی ایران، چگونگی نگرش درباره قدرت و تحولات سیاسی در روابط بین‌الملل به شدت دچار تغییر و تحول شد و انگاره‌های مادی برای تحلیل سیاست خارجی در تنگنا قرار گرفتند.

ماهیت اسلامی ایران سبب شده است تا این کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی اهداف ذیل را دنبال کند:

## مهمترین اهداف ایران اسلامی

- |  |                                       |                                  |  |
|--|---------------------------------------|----------------------------------|--|
| <p>تلاش در جهت استقرار جامعه اسلامی شیعی و امت واحد اسلامی</p> | <p>تلاش در جهت ایجاد عدالت اسلامی</p> | <p>نفی سلطه گری و سلطه پذیری</p> | <p>حفظ قواعد و ارزش‌های اسلامی با عنوان «حفظ مصلحت اسلامی»</p> |
|--|---------------------------------------|----------------------------------|--|

### تصویر (۳) مهم‌ترین اهداف ایران اسلامی

کشور ایران با ماهیت قوی اسلامی دنبال کننده اهداف فوق است. امام خمینی (ره) نیز در این رابطه نیز بیان داشته بودند که جمهوری اسلامی ایران حکومتی است متکی بر ضوابط اسلام. قانون اساسی آن اسلام بوده و متصدیان آن نیز حائز شرایط معین شده در اسلام هستند (قربانی و سوری، ۱۳۹۵: ۱۱۱-۱۱۲).

ماهیت اسلامی ایران سبب شده است تا این کشور از جنبش‌های اسلامی و کشورهای دیگری که در جهت اسلام گام برمی‌دارند حمایت معنوی به عمل آورد که نمونه بارز آن را تحولات بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱ مشهود است.

### ۳-۳- ایرانیت

نژاد ایرانی و عرق به تاریخ و گذشته این کشور از جمله عناصر تشکیل دهنده هویت جمهوری اسلامی ایران و مردم آن است. در واقع علاوه بر ارزش‌ها و ایده‌های اسلامی، از دیگر هنجارهای هویت‌ساز ایران، تجربه تاریخی ایرانیان است. بر اساس چارچوب سازه‌نگاری، سیاست خارجی ایران به نوعی نتیجه تاریخ گذشته ایران و به نوعی برسازنده از آن است. ماهیت ایرانی کشور و مردم ایران باعث گردیده تا آنان در تاریخ خود جهان را در چارچوبی معنویت گرایانه و اخلاقی درک کنند، نگرشی عدالت گرایانه داشته باشند و برای خود رسالتی جهانی و رهایی بخش قائل هستند. تبلور ذهنیت و ادراکات تاریخی ایران را می‌توان در انقلاب اسلامی و فهم انقلابی‌ها از ماهیت، هویت و رسالت انقلاب و نظام برآمده از آن در عالم کنونی دانست. در واقع آنچه در دوران بعد از انقلاب در ایران ظاهر داشته است ارتباط عمیقی با زمینه و فهم تاریخی ایرانیان دارد و بدون توجه به آن‌ها و تأثیرشان در تلقی مردم و حاکمان از نظم موجود، کنش‌های آنان قابل درک نخواهد بود (صبوری و صالحیان، ۱۳۹۲: ۱۷۸ و ۱۸۶).

با توجه به آنچه بیان گردید این نتیجه عاید می‌شود که هویت جمهوری اسلامی ایران متشکل از ماهیت‌های اسلامی و انقلابی و ایرانی است. مهم‌ترین این ماهیت‌ها ماهیت اسلامی ایران است که توجه بسیاری از گروه‌ها سیاسی منطقه غرب آسیا را به خود جلب کرده است. در واقع ماهیت اسلامی ایران به‌ویژه مذهب تشیع آن، سبب شکل‌گیری هویت دینی و شیعی برای این کشور شده است. این هویت به‌صورت هم‌زمان فرصت‌ها و تهدیدات بسیاری را برای ایران به وجود آورده است زیرا برخی دیگر از کشورها و گروه‌های اسلامی مکتب تشیع ایران را برای خود تهدید دانسته، لذا درصدد مقابله با آن برمی‌آیند. از سوی دیگر برخی از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی دیگر هویت شیعی ایران را فرصت برشمرده و تقویت ایران شیعی را تقویت خود و ضعف آن را ضعف خود به‌حساب می‌آورند. یکی از مهم‌ترین این گروه‌های سیاسی در یمن، انصارالله است که درک این همگرایی ابتدا بایستی هویت جنبش انصارالله نیز همانند هویت جمهوری اسلامی ایران تبیین شود.

#### ۴- هویت انصارالله از منظر سازه‌نگاری

تعریف هویت انسان یمنی مقوله‌ای سهل و ممتنع است زیرا یمن از جمله کشورهای عربی است که با وجود نقش زیاد قبایل در نظم سیاسی آن، از مشکل ملت‌سازی رنج می‌برد. شکاف‌های اجتماعی موجود در یمن مسئله‌ای است که هویت‌سازی مبتنی بر ملیت را تحت تأثیر قرار داده و به حاشیه رانده است. مردم یمن پیش و بیش از اینکه خود را یمنی بدانند و بر هویت ملی خود بیابند، با مقوله‌های دیگری همچون مذهب، قبیله و حتی محل زندگی خود را معرفی کرده و هویت خود را بر آن بنا می‌سازد (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۸۰). جنبش حوثی انصارالله نیز همانند بسیاری از گروه‌ها و جنبش‌های سیاسی دیگر دارای مؤلفه‌های هویتی خاص است. برای درک این ماهیت بایستی به خاستگاه این جنبش و بستر جامعه آن رجوع کرد.

تنوع قومیتی در یمن و تکرر در جامعه آن به‌صورت چند ساختی و متکی بر تنوع مذهبی و قومیتی، سبب گردیده تا گروه‌های هویتی مختلفی از قبایل، مذاهب و احزاب شکل گیرد. در اکثر مواقع یمنی بودن در وهله نخست برای افراد موضوعیت ندارد بلکه هویت‌های فراملی

هستند که به ذهن مردم یمن شکل، جهت و گرایش می‌دهند (کوشکی و نجابت، ۱۳۹۵: ۱۰۵). در ادامه پژوهش سه هویت مهم جنبش انصارالله بیان می‌شود.

#### ۴-۱- عربیت

مقوله هویت در یمن همانند هویت در اغلب کشورهای عربی، ساختگی نبود بلکه هویتی تاریخی و ریشه‌دار و اصیل است. موضوع هویت در یمن پیچیده است زیرا در شکل دادن هویت در یمن، عوامل زیادی در سطوح مختلف نقش داشته‌اند. مردم یمن برای هویت خود یک اصالت عربی خاصی قائل بوده و به آن افتخار می‌کنند. مردم یمن اصیل‌ترین مردم عرب هستند زیرا ریشه عربیت آنان به عرب‌های قحطانی منتهی می‌شود، عرب‌هایی که از نظر تمام مردم عرب‌زبان دنیا، عرب‌های اصیل هستند (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۷۸-۸۱). بسیاری از تاریخ‌دانان معتقدند که اصالت انسان عربی در یمن است و جد اولین عرب‌ها قبل از دو هزار و ۵۰۰ سال در این سرزمین زندگی می‌کرده است. در برخی روایت‌ها اصل به‌کارگیری نام آفریقا برای سرزمین یمن بکار گرفته شده است (شیعه نیوز، ۱۳۹۵/۶/۹). باین وجود حوثی‌های انصارالله نیز به‌عنوان طایفه‌ای اصیل در یمن به عرب و قحطانی بودن خود بالیده و بافتخار آن را جزء هویت‌های اصلی شخصیت خود می‌دانند.

#### ۴-۲- اسلام‌گرایی

دین از جمله عوامل هویت‌ساز در یمن است. موقعیت جغرافیایی خاص کشور یمن و قرار داشتن آن در همسایگی کشورهای آفریقایی ساحل دریای سرخ همانند جیبوتی، اریتره، سومالی، سودان و دیگر کشورهای حوزه خلیج عدن همچون عربستان و عمان و غیره، این کشور را به محل بحث و جدل و مناظره و شکل‌گیری احزاب، گروه‌های سیاسی و دینی تبدیل کرده است. گفتگو میان فرقه‌های مختلف اسلامی و بحث‌های روشنفکرانه در رابطه با اسلام و گروه‌های اسلام‌گرا با تفکرات مادی‌گرایانه همچون سوسیالیسم و لیبرالیسم و همچنین بررسی قرائت‌های انحرافی از اسلام از جمله تکفیری‌ها و سلفی‌ها، به سبب موقعیت منحصر به فرد این کشور است (کوشکی و نجابت، ۱۳۹۵: ۱۰۶).

دین اسلام به‌مثابه دین اکثریت مردم یمن، در سطح کلان تا حدی موجب همگرایی در

هویت‌سازی اکثریت مردم این کشور گردیده است. اسلام در سرتاسر یمن نقش یکپارچه کننده دارد. به سبب حضور اهل سنت شافعی مذهب و شیعیان زیدیه، در کنار اقلیت‌هایی از دیگر فرق اسلامی به تکرر کننده هویت در یمن تبدیل شده است. این نکته را بایستی عنوان داشت که اگرچه اسلام در سطح کلان عامل وحدت‌بخش در میان یمنی‌ها بوده اما اختلاف آنان در مذاهب مختلف بر این وحدت آسیب‌زده است (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۸۲؛ صفوی و نجابت، ۱۳۹۶: ۱۰۱).

اکثریت قریب به اتفاق مردم یمن زیدی و شافعی مذهب‌اند که سال‌ها در کنار هم با آرامش زندگی کرده‌اند. خشونت و سلفی‌گری با واکنش‌های منفی مردم مواجه است اما باین وجود باز هم گروه‌های خشونت‌طلب سلفی همچون القاعده در این کشور جولان داده و به یکی از مهم‌ترین عوامل ناامنی در این کشور تبدیل شده است. این امر سبب شده تا جامعه یمن به دنبال رسیدن به آرامش و امنیت و دوری از افراطی‌گری باشد. بر همین اساس شکل‌گیری جریان فکری که در مقابل رفتارهای غلط گروه‌های انحرافی قد علم کند، از جانب مردم مسئولانه پنداشته شده و با استقبال گسترده آنان مواجه می‌شود (کوشکی و نجابت، ۱۳۹۵: ۱۰۸). یکی از مهم‌ترین این تفکرات، تفکر شیعی جنبش انصارالله یمن است که در پی مقابله با استبداد داخلی، استعمار خارجی، مقابله با گروه‌های تکفیری و سلفی و تحقق ثبات سیاسی و امنیت در یمن است.

جنبش انصارالله یمن پس از آنکه توانست به میزانی از قدرت در یمن نائل شود، در پی آن بود تا شریعت موجود در قانون اساسی این کشور جنبه عملیاتی به خود دیده و حکومت بر پایه آموزه‌های اسلامی اداره شود (نجابت، ۱۳۹۵: ۸۲). این امر بدین خاطر است که دین اکثریت مردم یمن اسلام بوده و به صورت رسمی در این کشور به ثبت رسیده است (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۸۳) و جنبش انصارالله یمن نیز با شعار معروف خود، هویت خود را اسلامی معرفی کرده است.

#### ۴-۳- انقلابی‌گری

کنش انصارالله تا پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر جنبه فرهنگی و تربیتی داشت اما پس از آن رویکردی ضدآمریکایی و ضد استکباری پیدا کرد. پس از چند ماه از حادثه ۱۱ سپتامبر و

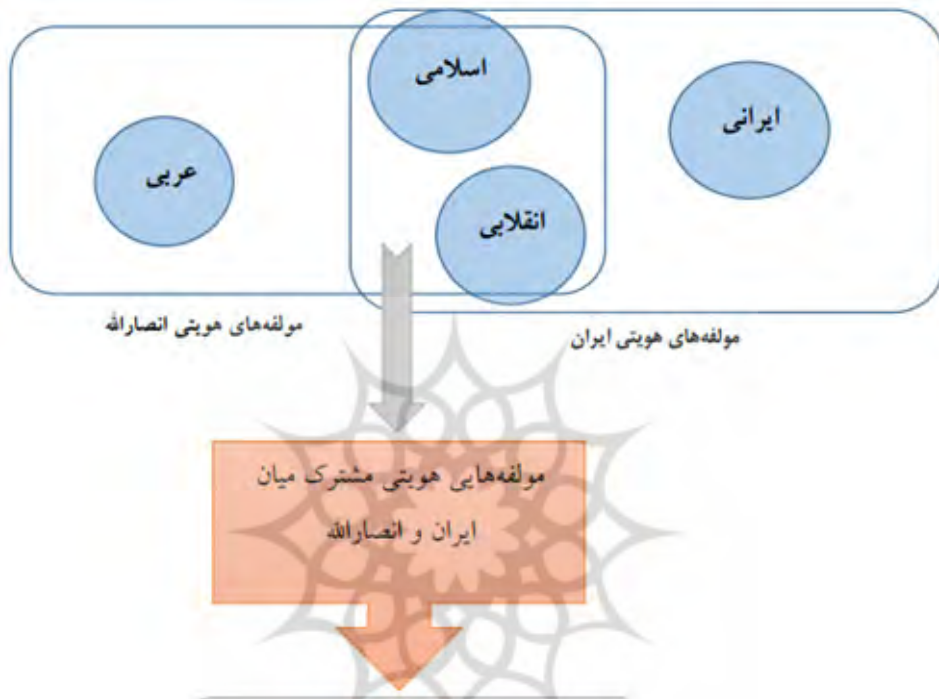
پیوستن علی عبدالله صالح به جنگ آمریکا علیه تروریسم، سید حسین بدرالدین الحوثی فرصتی به دست آورد تا انتقادات و اعتراضات خود علیه سیاست‌های دولت یمن را به صورت آشکار بیان کند. وی در روز قدس در ماه دسامبر ۲۰۰۱ به سخنرانی پرداخت و اطلاعیه امام خمینی (ره) در ارتباط با اعلام آخرین جمعه ماه رمضان به عنوان روز قدس را برای مردم قرائت کرد (کوشکی و نجابت، ۱۳۹۵: ۸۰). وی در این سخنرانی بر مسیر مبارزه با آمریکا تأکید کرده و این کشور را دشمن اصلی مردم یمن معرفی کرد. او در این سخنرانی بیان داشت که نگرش صحیح آن است که باید به مبارزه با آمریکایی‌ها پرداخت و مردم باید برای رویارویی با آمریکا آماده و فعال شوند (بدرالدین الحوثی، ۲۰۱۶/۵/۲). حسین الحوثی در ابتدای سال ۲۰۰۲ شعار «الله اکبر، الموت لأمريكا، الموت لإسرائيل، اللعنة على اليهود، النصر للإسلام» را مطرح کرد که به نوعی مانیفست فکری انصارالله را تشکیل می‌داد. حسین الحوثی در همان ابتدا مردم را به تحریم کالاهای آمریکایی و اسرائیلی ترغیب نمود. با تکرار مداوم این کنش سیاسی از سوی حسین الحوثی و اصرار مردم یمن بر آن، عملاً مسلمانان یمن با ادبیات جدیدی در گفتمان اسلامی خود مواجه شدند که این امر حساسیت‌های آمریکا، وهابیون، اسرائیل، دولت یمن و عربستان را برانگیخت (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۲۶۳-۲۶۴). همه این موارد به همراه رخداد‌های سال ۲۰۱۱ در پی بیداری اسلامی و مقابله با تجاوز سعودی در سال ۲۰۱۵ حکایت از ماهیت انقلابی جنبش انصارالله دارد.

هویت انقلابی جنبش انصارالله یمن پس از سال‌ها تثبیت شده و رویکرد انقلابی آن به سرعت در میان مردم یمن منتشر می‌شود. هویت انقلابی انصارالله به اندازه‌ای در یمن تقویت یافته است که شعارهای انقلابی آن که نشان از ماهیت انقلابی آن دارد همواره پس از نمازهای جماعت یا پیروزی‌های نظامی سر داده می‌شود. ماهیت انقلابی مردم یمن به ویژه جوانان انصارالله سبب شد تا دولت یمن دستور به دستگیری شعار دهندگان دهد. از مهم‌ترین عواملی که سبب این نوع بازخورد از سوی دولت یمن و یا به تعبیری، مخالفان انصارالله شده است، هویت اسلامی و انقلابی جنبش انصارالله یمن و طرفداران آن است (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۱۹۴).

به این وجود می‌توان این قسمت از پژوهش را چنین جمع‌بندی کرد که مؤلفه‌های سه‌گانه عربی، اسلامی و انقلابی، تشکیل‌دهنده مهم‌ترین هویت جنبش انصارالله یمن است. قرابت هویتی جنبش انصارالله و هویت جمهوری اسلامی ایران سبب شده است تا همگرایی



قابل توجهی میان انصارالله و جمهوری اسلامی ایران در بعد سیاست خارجی شکل گیرد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.



تصویر (۴) همگرایی هویتی ایران و انصارالله

##### ۵- همگرایی ایران و انصارالله در عرصه سیاست خارجی

پس از حمله عربستان سعودی به یمن و شعله‌ور شدن بحران در این کشور، جمهوری اسلامی ایران سیاست خویشتن‌داری و کاستن از تنش‌ها و جلوگیری از ایجاد میدان رقابت منطقه‌ای در یمن، هرگونه دخالت خارجی در یمن را محکوم کرده و گفتگو را بهترین راه‌حل جهت حل‌وفصل این بحران دانست (بیگی و باقری‌دانا، ۱۳۹۸: ۳۵۱). جمهوری اسلامی ایران با وجود پابندی به آرمان حمایت از مظلومان و مقابله با سلطه جویان در عرصه‌های مختلف، هیچ‌گاه تمایلی به ورود نظامی به جنگ یمن را نداشته است اما با توجه به گرایش گروه حوثی به آرمان‌های انقلاب جمهوری اسلامی و وجود پیوندهای فرهنگی - مذهبی طی

دوره‌های تاریخی با شیعیان زیدی یمن، به حمایت معنوی از مردم و جنبش انصارالله یمن پرداخته است (دهشیری و معبودی، ۱۳۹۶: ۱۵۳ - ۱۵۴).

اشتراک مؤلفه‌های هویتی میان انصارالله یمن و جمهوری اسلامی ایران سبب حمایت‌های معنوی ایران از حوثی‌های یمن شده است. مؤلفه‌های هویتی اسلام‌گرایی و انقلابی‌گری ایران و حوثی‌های یمن سبب شده است تا میان این دو کنشگر مهم در عرصه سیاست خارجی همگرایی قابل توجهی به وجود آید. به عبارتی دو مؤلفه هویتی کلان اسلام‌گرایی و انقلابی‌گری باعث شده تا این دو بازیگر مهم منافع و اهداف همدیگر در عرصه سیاست خارجی را مدنظر قرار داده و به هم‌افزایی بپردازند. اگرچه ممکن است در عرصه سیاست داخلی یمن اختلاف‌نظرهایی میان جمهوری اسلامی ایران و جنبش انصارالله وجود داشته باشد اما اتفاق نظر آنان در تحقق ارزش‌های اسلامی در یمن و خروج قدرت‌های خارجی از این کشور باعث همگرایی آنان در عرصه سیاست خارجی شده است. این دو بازیگر به‌خوبی دریافته‌اند که پیروزی نسبی جنبش انصارالله به‌صورت غیرمستقیم موجب ثبات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در گذرگاه‌های ترانزیتی خلیج فارس به‌سوی دریای مدیترانه خواهد شد. جنبش انصارالله نیز به‌خوبی دریافته است که موفقیت و پیروزی جمهوری اسلامی ایران در بحران‌های منطقه در عرصه سیاست خارجی به معنای موفقیت جنبش انصارالله بوده و شکست جمهوری اسلامی نیز به‌نوعی شکست انصارالله به‌شمار می‌آید. این درک مشترک از منافع در عرصه سیاست خارجی موجب تعاملاتی میان این دو بازیگر در عرصه سیاست خارجی گشته و این امری طبیعی در روابط بین‌الملل است.

با وجود اینکه ایران همواره در سیاست‌های اعلانی و اعمالی خود بر پشتیبانی سیاسی و فرهنگی از حوثی‌ها تأکید ورزیده ولی شباهت‌های ساختاری میان جنبش انصارالله و جنبش مقاومت اسلامی حزب‌الله در لبنان، می‌توان نشان از تحقق گفتمان انقلابی ایران در منطقه باشد. البته بایستی به این نکته نیز خاطر نشان کرد که اجرائی شدن الگوی حزب‌الله لبنان در یمن می‌تواند به‌صورت مستقیم قدرت چانه‌زنی ایران در معادلات منطقه را افزایش داده و منافع آن در شبه‌جزیره عربستان را به‌صورت غیرمستقیم تأمین کند. در واقع الگوی حزب‌الله لبنان در یمن می‌توان به‌عنوان عنصر بازدارنده در مقابل سیاست‌های هژمونیک آل سعود در منطقه عمل کند (دهشیری و معبودی، ۱۳۹۶: ۱۵۸). به همین سبب جلوگیری از به

قدرت رسیدن انصارالله شیعه در یمن از مهم‌ترین اولویت‌های استراتژیک عربستان در این کشور است. از نظر عربستان سعودی، پیروزی انصارالله در موقعیت استراتژیک کشور یمن، به زنجیره پیروزی‌های گفتمان انقلاب اسلامی و محور مقاومت حلقه دیگری می‌افزاید (نجات و موسوی و صارمی، ۱۳۹۵: ۱۶۰-۱۶۱).

یمن همواره برای ایران حائز اهمیت بوده است تا جایی که ایران تحولات یمن را در قالب بیداری اسلامی ارزیابی می‌کند تا موجب کاهش ورود غرب به منطقه شود. از این رو، ایران تلاش‌های عربستان در به قدرت رساندن برخی از گروه‌های خاص در یمن و مداخله نظامی را بی‌فایده دانسته و تنها راه‌حل بحران این کشور را نقش‌آفرینی همه جریانات مذهبی و سیاسی در حل و فصل مسألت‌آمیز بحران دانسته است (رستمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰). جمهوری اسلامی ایران در راستای کمک به اتمام بحران یمن طرح مفاد چهار ماده‌ای به سازمان ملل پیشنهاد کرده که به شرح ذیل است.



تصویر (۶) مفاد طرح چهار ماده‌ای ایران به سازمان ملل جهت حل بحران یمن (بیگی و باقری

دانا، ۱۳۹۸: ۳۵۲)

جمهوری اسلامی ایران جهت حل بحران یمن و حمایت از مردم یمن به‌ویژه حوثی‌ها به اقدامات سیاسی و دیپلماتیک مبادرت ورزیده و در عرصه رسانه با شبکه‌های برون‌مرزی خود به انتشار اخبار جنگ یمن می‌پرداخت اما در این عرصه نیز تحت فشار بین‌المللی قرار گرفت (غریب رضا، ۱۳۹۳: ۳۵). با این توصیفات تنها حمایت جمهوری اسلامی ایران از جنبش انصارالله یمن و کمک به اتمام این بحران به حمایت‌های سیاسی و بین‌المللی و رسانه منحصر می‌شود. این امر نیز به سبب اشتراکات هویتی میان ایران و انصارالله و همگرایی آنان در عرصه سیاست خارجی بوده است.

### نتیجه‌گیری

با شعله‌ور شدن بحران یمن، بسیاری از کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به صورت مستقیم در یمن حضور یافته و در این بحران ایفای نقش کرده و برخی دیگر از کشورها به صورت غیرمستقیم و خارج از مرزهای یمن سعی در کنترل آن در راستای منافع خود بوده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از بازیگران فعال منطقه‌ای بی‌تأثیر از این بحران نبوده و خارج از مرزهای یمن به رصد تحولات آن پرداخته و سعی در کمک به پایان یافتن این بحران داشته است. در این میان با بروز اشتراکات هویتی ایران و جنبش انصارالله، همگرایی آنان در عرصه سیاست خارجی و تعاملات فرامرزی مرتبط به یمن افزایش یافت. اشتراکات هویتی ایران و انصارالله در مؤلفه‌های کلان انقلابی گری و اسلام‌گرایی، همگرایی آنان در عرصه سیاست خارجی را به دنبال داشته و سبب شده است تا ایران از انصارالله یمن به صورت رسانه‌ای و سیاسی حمایت به عمل آورد. برخی از کشورها همچون عربستان سعودی با مطرح کردن مباحث عرب و عجم و دیگر مباحث قومیتی، سعی در ایجاد انشقاق میان مردم یمن به‌ویژه حوثی‌ها و ملت ایران داشته‌اند. این در حالی است که شعله‌ور شدن بحران یمن و ظلم کشاورزهای متجاوز به مردم یمن سبب آشنایی بیشتر جهان با مردم یمن گردید. در این میان اشتراکات هویتی برخی از اقوام یمنی همچون حوثی‌های انصارالله با مردم و ملت ایران سبب همگرایی مردم در عرصه اجتماعی و همگرایی انصارالله و جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی گردید که به دنبال آن کمک‌های معنوی مذکور ایران به جنبش انصارالله را به دنبال داشت.

### یادداشت

#### 1. Constractivism

## کتاب‌نامه

## الف: فارسی

۱. احمدی، نادر، (۱۳۸۷)، «آینده‌پژوهی و ایران»، فصلنامه مدیریت نظامی، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۳۲، ص ۴۱ - ۵۸.
۲. احمدیان، حسن، (۱۳۹۰)، «طرح شورای همکاری خلیج فارس و آینده قیام مردم یمن»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۴۸، ص ۱۰۱-۱۲۰.
۳. ازغندی، علیرضا و کافی، مجید (۱۳۹۱)، «بررسی امنیت ملی جمهوری اسلامی از دیدگاه سازه‌انگاری»، فصلنامه علوم سیاسی، زمستان ۱۳۹۱، سال هشتم، شماره ۲۱، ص ۲۰۵ - ۲۳۲.
۴. انصاری قمی، حسن، «مجموعه طاووس یمانی نماد حضور ایران در یمن»، مجله نگاه ماه دین، شماره ۵۱ و ۵۲، ص ۱۸-۳۱.
۵. بابایی، پویان، (۱۳۹۴)، «علل گرایش به محور مقاومت در یمن»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۶۲، ص ۸۵-۱۰۸.
۶. پرتو، امین، (۱۳۹۶)، «تحولات سیاسی و نظامی یمن»، دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۶۹، ص ۵۹-۶۴.
۷. حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
۸. حاجی ناصری، سعید و شیخ سرایی، نجف، (۱۳۹۶)، «آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۹۶، شماره ۲۱، ص ۱۲۹ - ۱۵۲.
۹. حسینی زاده، سید محمدعلی و فرهادی، زینب و غفاری، زاده، مهرشاد، (۱۳۹۶)، «جنگ یمن و القاعده شبه‌جزیره»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۷۷، ص ۱۲۹-۱۴۹.
۱۰. حیدری، امیر هوشنگ، (۱۳۹۳)، «آینده‌پژوهی»، کتاب ماه کلیات، فروردین ۱۳۹۳، شماره ۱۹۶، ص ۷۰ - ۷۸.
۱۱. حیدری، سامان و شیخی زاده، محمد رسول، (۱۳۹۸)، «الزامات حضور راهبردی ج.ا.ایران در یمن از منظر ژئوپلیتیکی»، فصلنامه پژوهش ملل، شماره ۴۱، ص ۷-۲۴.
۱۲. دارا، جلیل و بابایی، محمود، (۱۳۹۴)، «بازخوانی جنبش انصارالله یمن در بستر انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۱۵، ص ۱۲۹-۱۵۰.
۱۳. داوی، علی‌اصغر (۱۳۹۱)، «امنیت از نگاه مکتب سازه‌انگاری»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۹۱، ص ۲۹ - ۵۰.
۱۴. دهشیری، محمدرضا و معبودی، فرشته (۱۳۹۶)، «ارزیابی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی کلان، سال پنجم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۳۹۶، ص ۱۴۹ - ۱۷۱.

۱۵. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، «امنیت هستی شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، شماره اول.
۱۶. رستمی، فرزاد و لطفی، کامران و پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۷)، «جنگ قدرت‌ها در یمن و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار ۱۳۹۷، ص ۹ - ۳۵.
۱۷. رسولی ثانی آبادی، الهام، (۱۳۹۱)، «بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری»، سال پانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، ص ۱۷۷-۲۰۰.
۱۸. ستوده آرنی، محمد، احسان، جعفری فرد، (۱۳۹۷)، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر نقش منطقه‌ای عربستان (با تأکید بر بحران سوریه و یمن)»، تاریخ‌نامه انقلاب، شماره ۳، ص ۳۵-۵۷.
۱۹. سهیلی نجف‌آبادی، سهیل، (۱۳۹۸)، «بررسی بحران یمن: تحولات، ریشه‌ها، بازیگران و راهکارهای موجود برای اتمام بحران»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۴۶، ص ۱۸۷ - ۲۱۴.
۲۰. شعبانی، رضا و قریشی، سید اصغر، (۱۳۹۰)، «تحولات اخیر یمن و اندیشه سیاسی زیدیه»، *فصلنامه مسکویه*، شماره ۱۹، ص ۴۱-۷۲.
۲۱. شوقی، حسنعلی، (۱۳۹۷)، «راهبرد سیاست خارجی ج.ا.ایران در مقابله با گروه‌های تکفیری یمن، عراق و سوریه»، *فصلنامه پژوهش ملل*، دوره چهارم، شماره ۳۷، ص ۱۱۵-۱۳۰.
۲۲. صبوری، ضیاء‌الدین و صالحیان، تاج‌الدین (۱۳۹۲)، «آزمون‌پذیری نظریه سازه‌انگاری در بررسی سیاست خارجی ایران در دولت‌های نهم و دهم»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۹.
۲۳. صفوی، سید حمزه و نجابت، روح‌الله، (۱۳۹۶)، «هویت و تأثیر آن بر سیاست خارجی یمن در دوران پساتحد ۱۹۹۰»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، شماره ۲۴، ص ۱۰۰ - ۱۲۶.
۲۴. عباسی، علی اصغر و ساکن، حسام و بهرامی، محسن (۱۳۹۳)، «تحلیل تأثیر روند در آینده پژوهشی»، سومین همایش ملی آینده پژوهشی، ۹ بهمن ۱۳۹۳، تهران.
۲۵. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۰)، فنون پیش‌بینی، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۲۶. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، چاپ نخست، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۲۷. علی نژاد اصل، محمد و راعی دهقی، مسعود، (۱۳۹۸)، «ارزیابی اجرای دکترین مسئولیت حمایت در بحران یمن»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، شماره ۳۳، ص ۲۷ - ۵۲.
۲۸. عنایت‌الله، سهیل، (۱۳۹۳)، پرسش از آینده: روش‌ها و ابزارهای تحول سازمانی و اجتماعی، ترجمه مسعود منزوی، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.

۲۹. غلامی، میثم و ابطحی، سید مصطفی و طاهری، ابوالقاسم و کاظمی زند، علی، (۱۳۹۷)، «تبیین تقابل جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در یمن از منظر امنیت هویت محور»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳، ص ۹۷ - ۱۱۷.
۳۰. فتحی، محمدجواد و جهان‌بین، فرزاد، (۱۳۹۸)، «تبیین بحران ژئوپلیتیکی یمن: عوامل و بازیگران»، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۲۷، ص ۱۹۳ - ۲۲۹.
۳۱. قربانی، مژگان و سوری، سرور (۱۳۹۵)، «تأثیر داعش بر هویت و امنیت ایران در چارچوب نظریه سازه‌انگاری»، مطالعات خاورمیانه، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۸۴، ص ۹۹ - ۱۲۶.
۳۲. کوشکی، محمدصادق و نجابت، روح‌الله (۱۳۹۶)، «تأثیرپذیری مفهومی و روشی حرکت انصارالله یمن از انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۲۲، ص ۲۴۱ - ۲۶۸.
۳۳. کوشکی، محمدصادق و نجابت، روح‌الله (۱۳۹۵)، انصارالله یمن از تأسیس تا تثبیت، نشر معارف، قم.
۳۴. مددی، جواد، (۱۳۹۳)، «نقش انصارالله در رهبری تحولات یمن»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۵۸، ص ۳۳ - ۵۶.
۳۵. مرعشی نجفی، سید محمود، (۱۳۷۶)، «میراث اسلامی در یمن»، مجله میراث شهاب، شماره ۱۰، ص ۳۵ - ۴۹.
۳۶. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۲)، «نقش ارزش‌ها و هنجارها در شکل دادن به سیاست خارجی: رهیافت سازه‌انگاره»، بولتن مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، سال سوم، شماره ۳.
۳۷. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، انتشارات سمت، تهران.
۳۸. معینی علمداری، جهانگیر و راسخی، عبدالله، (۱۳۹۸)، «روش‌شناسی سازه‌انگاری در حوزه روابط بین‌الملل»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره چهارم، ص ۱۸۳ - ۲۱۴.
۳۹. میرزاده کوهشاهی، مهدی، (۱۳۹۵)، «روندها و رخدادهای سیاسی مؤثر در بحران یمن»، فصلنامه دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۵۷، ص ۶۷ - ۷۲.
۴۰. میرزاده کوهشاهی، مهدی، (۱۳۹۴)، «یمن: استمرار تقابل نظامی و آغاز مذاکرات»، فصلنامه دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۳۹، ص ۶۷ - ۷۲.
۴۱. میرزانیان، منصور، (۱۳۸۸)، «ایران و یمن در اسطوره تاریخ»، فصلنامه ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱۴ و ۱۵، ص ۱۹۷ - ۲۲۵.
۴۲. نجات، سید علی و موسوی، سیده راضیه و صارمی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۵، ص ۱۳۷ - ۱۷۹.

۴۳. وقوفی، امید و قاسمی، علی اصغر و حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۹۶)، «تبیین عوامل و پیشران‌های کلیدی آینده یمن تا سال ۱۴۰۶»، فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، شماره ۴، ص ۸۷ - ۱۰۷.
۴۴. یزدانی، علی، جان احمدی، فاطمه، (۱۳۹۱)، «بسترها، زمینه‌ها و چالش‌های پیدایی جنبش زیدیه در یمن»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ۸، ص ۱۱۳ - ۱۳۴.

#### ب: عربی

۴۵. بدرالدین الحوثی، حسین (۲۰۱۶/۵/۲)، «موقف واحد: لماذا دخل الأمريكيون اليمن؟ موقع انصالله، زمن المشاهده» (۲۰۱۸/۸/۱۱)، للرجوع الى المصدر اضغظ على الربطة التالية:  
<http://www.ansarollah.com/archives/31599>
۴۶. شیعه نیوز، (۱۳۹۵/۶/۹)، ۱۰ خصوصیت شگفت‌انگیز درباره یمن، سامانه خبری شیعه نیوز، تاریخ مشاهده (۱۳۹۷/۸/۱۷)، برای مشاهده به لینک ذیل رجوع کنید:  
<http://yon.ir/pwyvP>

#### ج: لاتین

47. Barnett, M. (1999). "Culture, Strategy and Foreign Policy Change", European Journal of International Relations, Vol. 5 (1), pp. 5-39.
48. Checked, Jeffrey, (1997), "Norms and Domestic Politics: Birding the Rationalist - Constructivist», European Journal of International Relations, No. 3.
49. Hopf, ted (1998), "The Promise of Constructivism in International Relations Theory", International Security, No.23.
50. Wendt, A, (1999), Anarchy is What States Make of It: The Social Construction of Power Politics, in Der Derian, ed.